

# رویکرد پژوهش گران ایران و غربی در مبان نظری جغرافیای تاریخی

سید حسین رضوی خراسانی  
دانشجوی دکتری تاریخ

منوچهر ستوده، محمد تقی راهنمایی، عزیزالله بیات، حسین شکوئی، محمد جواد مشکور، عباس اقبال، احمد اقتداری، جعفر شهری، ناصر نجفی، منوچهر کیانی و برخی دیگر تحقیقاتی در این حوزه ارائه داده‌اند که به جز چند نفر (نظیر منوچهر ستوده و حسین قراچانلو) تحقیقات دیگران به لحاظ مبانی نظری و فلسفه جغرافیای تاریخی دچار ضعف‌های جدی است. البته در خود غرب هم، که در واقع خاستگاه جغرافیای تاریخی محسوب می‌شود، هنوز تعریف یکدست و جامعی از این دانش وجود ندارد. با وجود این که دانشمندان غربی در این حوزه فعالیت‌های بسیار با ارزش و گرانبغی انجام داده‌اند، که در واقع تلاش‌های آنان به مطالعات جغرافیای تاریخی در دوره معاصر غنای فراوانی بخشیده است. امروزه در کشورهای اروپایی مطالعات حوزه جغرافیای تاریخی با تکیه بر فناوری‌های مدرن نظیر (GPS)، (GIS)، عکس‌ها و تصاویر ماهواره‌ای، در پردازش داده‌های جغرافیایی و ارائه آن به مورخان و سایر پژوهشگران و بررسی تحقیقات محیطی بر اساس تغییر نا همواری‌ها و عکس‌های کارتوگرافی در طول قرون گذشته و تطبیق و مقایسه آن با دوره معاصر گام‌های بلندی را در جهت غنای تاریخی برداشته است. در بخش پایانی این جستار به اهمیت این فن‌آوری در غنای دانش جغرافیا و جغرافیای تاریخی اشاره شده است.

## رابطه تاریخ و جغرافیا

یکی از اولین سؤال‌های مورخ در بررسی یک رویداد تاریخی، سؤال از مکان یا جغرافیای وقوع آن رویداد است، زیرا هر رویداد تاریخی در برشی از زمان و در صحنه‌ای به نام مکان ظهور پیدا می‌کند.<sup>۱</sup> پیوند میان تاریخ و جغرافیا در گذشته به حدی نزدیک بود که بعضاً جا و بیجا این دو کلمه را به صورت مترادف و حتی به قائم‌مقامی یکدیگر می‌نوشتند یا به کار می‌بردند.<sup>۲</sup> تاریخ بررسی زندگی اجتماعی نوع بشر است. جغرافیا صحنه زندگی و حوادث

## چکیده

به رغم پژوهش‌های انجام شده در عرصه مطالعات جغرافیای تاریخی، این دانش هنوز علمی نو و جدید محسوب می‌شود؛ لذا در باب قلمرو مطالعات، مبانی نظری و فلسفه آن اما و اگرهای فراوانی وجود دارد. از سویی با همه تلاش‌های انجام شده در حوزه مطالعات جغرافیای تاریخی در ایران، در باب مبانی نظری آن پژوهش یا تحقیقات علمی و تخصصی چندانی صورت نگرفته و لذا تلقی‌های گوناگونی را نسبت به دامنه، قلمرو و مبانی مطالعات جغرافیای تاریخی ایجاد کرده است.

پژوهش حاضر ضمن بررسی پیوند جغرافیا و تاریخ، به بررسی نگرش‌های جدید پژوهشگران غربی در مبانی نظری جغرافیای تاریخی می‌پردازد و آن را با دیدگاه‌های برخی از پژوهشگران داخل مقایسه می‌کند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در ایران فقدان مبانی نظری و فقر دیدگاه‌های بنیادی در حوزه نظریه‌پردازی یکی از مهم‌ترین عوامل ضعف پژوهشگران ایرانی محسوب می‌شود و لذا مطالعه در این حوزه با تکیه بر روش‌های نوین نقش مهم و فزاینده‌ای در باروری این دانش در کشورمان خواهد داشت.

**کلیدواژه‌ها:** جغرافیای تاریخی، مبانی نظری، متدولوژی، جغرافیای انسانی

## مقدمه

جغرافیای تاریخی دانشی نسبتاً نو و حاصل پیوند میان دو رشته تاریخ و جغرافیاست. پژوهش حاضر ضمن بررسی اجمالی این پیوند مبانی نظری و رویکرد محققان ایرانی و اروپایی را در عرصه مطالعات جغرافیای تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد، اگر چه در کشور ما، هنوز تحقیقات برجسته‌ای در این حوزه صورت نگرفته و از این لحاظ، پژوهش‌های ایرانی دچار فقر جدی است. البته برخی از محققان ایرانی نظیر جهانگیر قائم مقامی، حسین قراچانلو، عبدالحسین نهچیری،

انسان است و در واقع جغرافیا عرصه‌های جغرافیایی و بستر تاریخ بشریت است. به قول کارل ریتز<sup>۵</sup>، جغرافی‌دان برجسته آلمانی و از پایه‌گذاران جغرافیای مدرن، «جغرافیا بدون تاریخ کالبد بدون روح و تاریخ بدون جغرافیا همانند انسان بی‌وطنی است که تلوتلو می‌خورد. جغرافیا صحنه تاریخ و تاریخ موضوع نمایش این صحنه است»<sup>۶</sup>. پیوند تاریخ و جغرافیا ناگسستنی است، یعنی هیچ تاریخی را بدون ذکر تأثیر عوامل جغرافیایی نمی‌توان نگاشت.<sup>۷</sup> پیشینه پیوند تاریخ و جغرافیا به زمان‌های بسیار دور بازمی‌گردد. هرودت مورخ مشهور یونانی که عنوان پدر تاریخ به او داده‌اند، به‌منظور تألیف اثر تاریخی خود بسیاری از سرزمین‌های آن زمان مانند ترکیه، مصر، هلنسپونت، فنیقیه و بابل را از نزدیک مورد بررسی و مطالعه قرار داد. شاید او نخستین کسی باشد که به جغرافیای ناحیه‌ای<sup>۸</sup> روی آورد بی‌آنکه هنوز جغرافیای علمی نقطه‌نظرها و زوایای عمومی<sup>۹</sup> و ناحیه‌ای<sup>۱۰</sup> خود را اعلام داشته باشد.<sup>۱۱</sup>

مطالعه بستر جغرافیایی رویدادها در پژوهش‌های تاریخی اهمیت بسیار دارد زیرا به مورخان در درک بسیاری از ابعاد حیات اجتماعی زندگی گذشته انسان کمک می‌کند.

پیروز مجتهدزاده در پیوند تاریخ و جغرافیا می‌گوید: «باید گفت: بین تاریخ و جغرافیا چه پیوندهایی وجود ندارد؟ این دو توأمان هستند. زمان بدون مکان معنی ندارد و مکان بدون زمان قابل شناسایی نیست. در حقیقت زمان شماره کردن حالات و حرکات مکان است و جدای از آن نیست و این شماره کردن هم تنها به انسان اختصاص دارد و نه به موجودات دیگر. بنابراین جغرافیا مطالعه احوال مکان‌ها و تاریخ، مطالعه احوال زمان‌ها است.»<sup>۱۲</sup>

به مرور جغرافیا از تاریخ دور شد، به‌ویژه از قرن هجدهم به بعد جغرافیا با رویکردی کاملاً مدرن هرچه بیشتر از تاریخ فاصله گرفت و شیوه و تکنیک مطالعاتی آن دگرگون گشت.<sup>۱۳</sup> آلن بیکر در کتاب «تاریخ و جغرافیا: پلی بر جدایی»<sup>۱۴</sup> که در دانشگاه کمبریج چاپ و منتشر شده است، در تلاش برای برقرار کردن و نشان دادن ارتباط میان دو علم تاریخ و جغرافیا است.

وی از این جدایی به جدایی بزرگ<sup>۱۵</sup>، تعبیر می‌کند و سعی دارد بر روی این جدایی پلی بزرگ و محکم برقرار کند.

## انسان و محیط و تأثیرات متقابل آن‌ها بر یکدیگر

جغرافیا از بدو خلقت انسان بر زندگی و فعالیت‌های او تأثیر داشته است. گرچه با توسعه علم و فناوری در عرصه‌های مختلف، به تدریج از تأثیر محیط بر زندگی انسان کاسته شده اما هیچ‌گاه این تأثیر از بین نرفته است. در باب تأثیر انسان بر محیط و یا محیط بر انسان نگرش‌ها و مکتب‌های جغرافیایی خاصی به‌وجود آمده است.<sup>۱۶</sup> در واقع جهان‌بینی‌های فلسفی در حوزه جغرافیا بیشتر بر بررسی این دو عنصر بر یکدیگر تأکید می‌ورزد. تیلور<sup>۱۷</sup> سه نوع جغرافیا را مطرح

می‌کند:

۱. **جنوکراتیک**<sup>۱۸</sup>: در این نوع جغرافیا طبیعت نقش عمده و تعیین‌کننده دارد و همه فعالیت‌های انسان تحت تأثیر محیط طبیعی است.

۲. **تنوکراتیک**<sup>۱۹</sup>: در این نوع جغرافیا یک نوع خدانگری در همه پدیده‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد و همه پدیده‌های سطح زمین در کنترل آفریدگار جهان قرار دارد. کارل ریتز در این حوزه دیدگاه‌های تازه‌ای را مطرح کرده است.<sup>۲۰</sup>

۳. **ونوکراتیک**<sup>۲۱</sup>: در این جغرافیا چنین استدلال می‌شود که محیط یک مقدار امکاناتی در اختیار انسان قرار می‌دهد و بهره‌گیری از این امکانات محیطی به انتخاب جامعه انسانی بستگی دارد این نوع جغرافیا مکتب امکان‌گرایی را، که ویدال دو لابلان<sup>۲۲</sup> یکی از بنیانگذاران آن به‌شمار می‌رود، به‌وجود آورده است.<sup>۲۳</sup>

در حوزه جغرافیای جنوکراتیک، برخی از جغرافی‌دانان در تأکید بر نقش محیط بر زندگی انسان تا آنجا پیش رفته‌اند که منکر نقش عامل انسان در تغییر و دگرگونی محیط طبیعی شده‌اند. برای مثال، مالتوس، کشیش انگلیسی می‌گوید: «خداوند به‌عنوان علت غایی، از طریق طبیعت، تأثیرات ویژه‌ای بر انسان اعمال می‌کند». در واقع، به نظر مالتوس، خداوند از طریق علت ثانوی، یعنی طبیعت و قوانین طبیعی، سرنوشت بشر را تحت اختیار دارد.<sup>۲۴</sup> راتزل<sup>۲۵</sup> جغرافیدان آلمانی نیز به جبر جغرافیایی یا دترمینیسم<sup>۲۶</sup> که همان تأثیر قاطع محیط بر زندگی انسان، است معتقد بود.<sup>۲۷</sup> فردریک راتزل، در تفکرات جغرافیای خود، با توجه به وضع آلمان آن زمان، شاید بیش از همه تحت تأثیر افکار هگل فیلسوف نامدار آلمان قرار گرفته بود.<sup>۲۸</sup> شاید تنها با توجه به جریان‌های امپراتوری‌های استعماری است که می‌توان نظام فکری راتزل و جغرافیای سیاسی او را به روشنی بازشناخت. راتزل مفهوم فضای حیاتی را جدا از موجود زنده نمی‌شناخت. او می‌گفت اگر جمعیت یک کشور به تدریج افزایش یابد احتیاج به فضای حیاتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و مرزهای رسمی سیاسی، اعتباری نخواهد داشت.<sup>۲۹</sup> وی در جغرافیای سیاسی جایگاه مهمی به ملت، قوم و نژاد اختصاص می‌دهد و این مفاهیم اساس مطالعات جغرافیای انسانی او را می‌سازد.<sup>۳۰</sup> او همواره به ناسیونالیسم و توسعه ارضی آلمانی می‌اندیشید. از این‌رو، رشته جغرافیای سیاسی در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ در صحنه سیاسی جهان ظاهر گردید. جغرافیای انسان راتزل در واقع، مطالعه انسان ارگانیک، کشور ارگانیک و جهان ارگانیک بود.<sup>۳۱</sup> او معتقد بود که دولت‌ها مانند ارگانسیم یا موجود زنده نیاز به رشد و توسعه دارند و حیات سیاسی دولت‌ها چون موجودات زنده در پناه تنازع بقا امکان‌پذیر است. این مکتب جغرافیایی اولین مکتب جغرافیایی است که بین دو جنگ جهانی حیثیت و اعتبار دانشگاهی خود را در سطح بین‌المللی از دست داد. این مکتب مورد توجه و علاقه

فاشیسم‌ها بود و از لحاظ ساختاری در میان نظریات ژئوپولیتیک محصور شده بود.<sup>۳۳</sup>

برخلاف مکتب جغرافیایی آلمان، جغرافیای فرانسه بیشتر به تحقیقات محلی و ناحیه‌ای اهمیت داده است. بنیانگذار این مکتب پل ویدال دولابلاش، مورخ و جغرافی‌دان شهیر فرانسوی است که دارای روحیه حقیقت‌بینی بوده و رابطه‌ای با عقاید نظری نداشت. شاهکار دولابلاش دورنمای جغرافیای فرانسه بود که آن را در سال ۱۹۰۳ و به صورت مقدمه‌ای بر کتاب تاریخ فرانسه، نوشته ارنست لویس، به رشته تحریر درآورد و به نتایج قانع‌کننده‌ای در روش مطالعه خود دست یافت.<sup>۳۴</sup> دولابلاش مکتبی را پایه‌گذاری کرد که در آن اعتقاد به خلاقیت انسان‌ها و عظمت فکری و اندیشه آن‌ها در ساخت و بافت بستر جغرافیایی جایگاه مهمی داشت. ویدال به عملکرد انسان‌ها در ساخت چشم‌اندازهای جغرافیایی موقعیت ویژه‌ای داد. به قول ایولاکوست<sup>۳۵</sup>، وی به‌خاطر تمایلش به جغرافیای ناحیه‌ای و سیاست‌زدایی شهرت فراوانی یافت.<sup>۳۶</sup> به عقیده او منطقی نیست که در جغرافیا مرزهایی بین پدیده‌های طبیعی و انسانی تشکیل دهیم. باید در جغرافیا این پدیده‌ها در هم تنیده، یکپارچه و غیرقابل تفکیک مطالعه شوند، از این رو دولابلاش به مطالعه ترکیبی در جغرافیا معتقد بوده است.<sup>۳۷</sup> در واقع رابطه انسان و طبیعت آنقدر به هم نزدیک می‌شود که ممکن نیست تأثیر انسان بر طبیعت را از تأثیر طبیعت بر انسان تمیز داد.<sup>۳۸</sup>

به رغم لطمه شدیدی که بر مکتب جغرافیایی آلمان وارد آمد، اشخاصی به حمایت و توسعه آن همت ورزیدند که یکی از برجسته‌ترین آن‌ها خانم‌الن چارچیل سمپل<sup>۳۹</sup> (۱۸۶۳-۱۹۳۲) بود. او تحصیلات خود را در اروپا به پایان برده و در مکتب جبر محیطی رانزل تربیت شده بود. سمپل عقیده داشت که طبیعت شکل‌گیری و قالب‌دهی فعالیت‌های انسانی را تعیین کرده است. انسان آفریده زمین محسوب می‌شود، زمین انسان را پرورش داده، برای او غذا تهیه دیده و وظیفه و کار او را معین کرده، افکار او را راهنما بوده و بالاخره او را با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو ساخته است. او معتقد بود که آب‌وهوا، مردم اروپای شمالی را جدی، پر انرژی و فکور بار آورده است. در حالی که در جنوب اروپا، مردمی که در قلمرو آب‌وهوای مدیترانه‌ای زندگی می‌کنند، احساساتی، خیال‌انگیز، شوخ‌طبع و راحت‌طلب‌اند.<sup>۴۰</sup> افکار سمپل به مدت چند دهه مسیر تفکرات جغرافیایی را در آمریکا هدایت کرد و اثر معروف او، **تأثیر محیط جغرافیایی**، که در سال (۱۹۹۹ م) منتشر شد برای مدت طولانی، از مباحث عمده در آموزش‌های جغرافیایی به‌شمار می‌آمد.<sup>۴۱</sup>

## جغرافیای تاریخی<sup>۴۲</sup> و بینش و رویکرد محققان ایرانی درباره آن

امروزه پس از حدود یک سده کاربرد و بهره‌گیری تحقیقاتی از

بررسی‌های جغرافیای تاریخی، هنوز تعریف مشخص که حاوی همه جوانب و قلمرو جغرافیای تاریخی باشد ارائه نشده است و قلمرو این دو دانش یعنی تاریخ و جغرافیا و به‌ویژه جغرافیای تاریخی چندان روشن نیست.<sup>۴۳</sup> عموماً، فیلیپ کلور<sup>۴۴</sup> آلمانی نویسنده جغرافیای تاریخی آلمان را بنیانگذار جغرافیای تاریخی در قرن هفدهم می‌دانند.<sup>۴۵</sup> از زمان کلور تا قرن بیستم و تا امروز نظریه‌پردازان بزرگی عقاید و اندیشه‌های خود را در عرصه جغرافیای تاریخی در قالب کتاب، مقاله و یا سخنرانی عرضه کرده‌اند. از این میان برخی از شهرت بیشتری برخوردارند، نظیر هارت شورن،<sup>۴۶</sup> لیور<sup>۴۷</sup>، داری<sup>۴۸</sup>، کلارک،<sup>۴۹</sup> جان رایت،<sup>۵۰</sup> بلینگه،<sup>۵۱</sup> هریس،<sup>۵۲</sup> کالینگ وود،<sup>۵۳</sup> هفرمن،<sup>۵۴</sup> متی‌سون،<sup>۵۵</sup> و در ون وتیل سی<sup>۵۶</sup>. در ایران هنوز تعریفی از جغرافیای تاریخی و بیان قواعدی از آن که، راهنمای عمل محقق باشد در دسترس محقق ایرانی قرار نگرفته است. از نظر عبدالرسول خیراندیش، فقدان مبانی نظری و قواعد و اصول در رویکرد به جغرافیای تاریخی معمولاً موجب ضعف روشی این تحقیقات شده و دامنه آن را تا بدان حد گسترش داده که ارائه یک تعریف طبقه‌بندی شده از همه آن‌ها را با اشکال مواجه ساخته است،<sup>۵۷</sup> با این حال توسط برخی از اندیشمندان ایرانی تعاریفی ارائه شده که بعضاً درخور توجه هستند. پاپلی یزدی، در تعریف جغرافیای تاریخی می‌نویسد: «جغرافیای تاریخی خبر از سیر تحول بهره‌برداری از زمین، چگونگی اسکان جمعیت در نواحی مختلف و چگونگی روند تحول معیشت آن‌ها در طول تاریخ دارد.»<sup>۵۸</sup>

جهانگیر قائم مقامی می‌نویسد: «جغرافیای تاریخی یک شهر و یک ناحیه باید شامل شرح کلیه تغییرات و تطورات جغرافیایی آن شهر و آن ناحیه به مفهوم اعم آن در طول تاریخ باشد، یا به‌عبارت دیگر در جغرافیای تاریخی، یک شهر و یک منطقه جغرافیایی از نظر تمام رشته‌های جغرافیا، در طول تاریخ مورد بحث قرار می‌گیرد و همین که به زمان حال برسد، بحث جغرافیای تاریخی پایان می‌یابد و جغرافیای مطلق آغاز می‌شود.»<sup>۵۹</sup> عبدالحسین نهچیری جغرافیای تاریخی را بیوگرافی یک شهر یا منطقه می‌داند و آن را لازمه شناخت وجه تسمیه اسامی شهرها و تحول آن‌ها قلمداد کرده است.<sup>۶۰</sup> قراچانلو با تکیه بر تعاریف متون غربی، جغرافیای تاریخی را علمی می‌داند که از تأثیر محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی آن‌ها و تاریخ اکتشافات جغرافیایی صحبت می‌کند و در تعریف دیگری جغرافیای تاریخی را شامل بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه بررسی سلسله وقایع در یک زمان، یا ارزیابی آن‌ها با توجه به وقایع تاریخی گذشته می‌داند.<sup>۶۱</sup> قراچانلو در جایی دیگر جغرافیای تاریخی را معادل توپولومی<sup>۶۲</sup>، یعنی مطالعه در باب وجه تسمیه شهرها و نواحی، می‌داند.<sup>۶۳</sup> برخی از جغرافی‌دانان و برخی نویسندگان نیز جغرافیای تاریخی را معادل شرح و توضیح آثار و بناهای تاریخی می‌دانند.<sup>۶۴</sup> «دکتر راهنمای

معتقد است چهار مؤلفه در جغرافیای تاریخی اثرگذار است؛ یکی بعد «زمان» که بار تاریخی دارد، دوم بعد «مکان» که بار جغرافیایی دارد، سوم «انسان» و چهارم «چشم‌انداز فضای جغرافیایی» شامل جنگل و بیابان و کوه و شهر و روستا و مزرعه، که در طول زمان انسان در آن تغییراتی ایجاد می‌کند.<sup>۶۵</sup>

دکتر حسین شکوفی جغرافیای تاریخی را نگرش تاریخی به همه نوع مسائل جغرافیایی می‌داند که شامل تمامی شاخه‌های علم جغرافیا می‌گردد و بیک محمدی می‌نویسد: «جغرافیای تاریخی رابطه انسان و طبیعت را در زمان گذشته بررسی می‌کند، لذا در این علم روابط مکانی انسان در قالب گذشته مطرح می‌گردد تا چگونگی مسائل جغرافیایی امروز بهتر درک شود.<sup>۶۶</sup> از نظر قائم‌مقامی، جغرافیای تاریخی منحصرأ شعبه‌ای از جغرافیای انسانی نیست، بلکه فصل مشترک همه رشته‌های جغرافیایی است.<sup>۶۷</sup>

در اینجا با ارزیابی همه تعاریف و مفاهیم موجود می‌توان به قول دکتر خیراندیش، دارایی کنونی ما از جغرافیای تاریخی را به سه دسته تقسیم کرد.

۱. متون جغرافیایی قدیم، که امروزه به صورت مواد خام جغرافیای تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد نظیر آثار اصطخری، ابن الفقیه همدانی، ابن خردادبه، مقدسی، خوارزمی، جیهانی و دیگران که البته دامنه این دسته از متون گاهی به بعضی سفرنامه‌ها و تواریخ محلی و معجم‌های جغرافیایی نیز می‌رسد، مانند سفرنامه ابن بطوطه، ابن حوقل و مرآت البلدان.<sup>۶۸</sup>

۲. آن دسته از جغرافیای تاریخی که جنبه تحقیقی دارند مانند آثار بار تولد و لسترنج<sup>۶۹</sup> و مینورسکی و آثار مشابهی چون آثار دکتر عزیزالله بیات و محمدجواد مشکور، عباس اقبال و جهانگیر قائم‌مقامی که بیشتر جنبهٔ مونوگرافی و تاریخ محلی دارند.<sup>۷۰</sup>

۳. آثاری که با مطالعات میدانی فراهم آمده‌اند، که عموماً آمیزه‌ای از تاریخ، باستان‌شناسی و جغرافیاست مانند آثار و تحقیقات منوچهر ستوده، تألیفات احمد اقتداری و آثار افرادی چون جعفر شهری و ناصر نجفی و کرامت‌الله افسر و منوچهر کیانی و جمع کثیر دیگر.<sup>۷۱</sup> علی‌رغم داشتن مواد خام نسبتاً فراوان، ما در زمینهٔ جغرافیای تاریخی مدرن چندان پیشرفتی نداشته‌ایم، زیرا توسعه و ترقی دانش جغرافیای تاریخی اساساً جنبه فنی و روش‌شناختی دارد که ما از این نظر دچار فقر و کاستی هستیم.

## مبانی نظری جغرافیای تاریخی در غرب

علی‌رغم اینکه خاستگاه جغرافیای علمی نوین، مجامع دانشگاهی غرب است، برخی از اندیشمندان غربی این حوزه، جغرافیای تاریخی را نوعی رویکرد به جغرافیای انسانی می‌دانند. مثلاً روزه دیون جغرافی‌دان فرانسوی می‌گوید: «جغرافیای تاریخی نوعی

جغرافیای انسانی است که به گذشته توجه دارد.<sup>۷۲</sup> سیور جغرافیای تاریخی را جزء جدایی‌ناپذیر جغرافیای انسانی می‌داند که از مطالعهٔ آن، چشم‌انداز فرهنگی استنباط می‌گردد.<sup>۷۳</sup> اصطلاحات جغرافیایی خاص، چیزهایی از قبیل: مزرعه، چراگاه، جنگل، معدن، جاده، خانه و کارگاه بودند. سیور چنین استدلال می‌کرد که جغرافی‌دان نمی‌تواند چنین چیزهایی را بدون آنکه دربارهٔ منشأ آن‌ها از خودش سؤال کند مورد مطالعه قرار دهد. برداشت وتیل سی<sup>۷۴</sup> از جغرافیای تاریخی شبیه سیور است. او به‌منظور توجیه جغرافی دانان سنتی انجمن جغرافی دانان، تأکید می‌ورزد که جغرافیای تاریخی دارای همان اصالت جغرافیاست ولی داده‌های آن را تاریخ فراهم می‌آورد، هر چند ابزارها و ملاحظات معمول آن جغرافیایی است.<sup>۷۵</sup> تأکید اصلی جغرافیای تاریخی سیور بر تغییرات چشم‌انداز<sup>۷۶</sup> است. رایت<sup>۷۷</sup> از نخستین هواداران رویکرد انسان‌گرایانه است که بیشتر از تاریخ الهام گرفته است تا از علوم طبیعی و اجتماعی.<sup>۷۸</sup>

او کشت<sup>۷۹</sup> نیز در زمرهٔ هواداران رویکرد انسان‌گرایانه محسوب می‌شود. او می‌گفت: مقصد جغرافی‌دان تاریخی در ماهیت فعالیت بشری بر روی زمین از طریق کشف اندیشهٔ نهفته در آن است. در واقع جغرافیای تاریخی با این رویکرد به‌عنوان تاریخ فعالیت بشری بر روی کرهٔ زمین شناخته می‌شود.<sup>۸۰</sup>

یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان جغرافیای تاریخی در غرب هارتشورن است. هر چند جایگاه ویژهٔ او در این مقوله هرگز به‌طور وسیع و عام مورد پذیرش صاحب‌نظران این دانش قرار نگرفته است، اما مفاهیم و دیدگاه‌های او در جهت دادن به سیر مطالعات مربوط به جغرافیای تاریخی در راستای خطوطی معین دارای اهمیت بسزایی است.<sup>۸۱</sup> یکی از آثار مهم او «ماهیت جغرافیا»<sup>۸۲</sup> و «چشم‌اندازی به ماهیت جغرافیا»<sup>۸۳</sup> است. در ماهیت جغرافیا، وی به این نکته قائل است که تنها گونهٔ موجه جغرافیای تاریخی، جغرافیای برشی از زمان، یعنی جغرافیایی است که با توصیف حال تاریخی<sup>۸۴</sup> به معنی بیان رخدادهاى گذشته در یک منطقه یا ناحیه سروکار دارد. درک هارتشورن از تاریخ به تاریخ بشری محدود گردیده است.<sup>۸۵</sup>

نظریه داربی درباره ماهیت جغرافیای تاریخی دارای عناصر مشترک با اندیشه‌های هارتشورن و سیور است. او جغرافیای تاریخی را به‌عنوان دگرگونی در گذر زمان شناخته است. داربی می‌نویسد: جغرافیای امروز تنها لایه نازکی است که حتی در لحظه حاضر نیز در حال تبدیل شدن به تاریخ است. آیا می‌توان خطی میان جغرافیا و تاریخ ترسیم کرد؟ پاسخ منفی است، زیرا «شدن» یک فرایند است. جغرافیا سراسر جغرافیای تاریخی است، خواه بالفعل و خواه بالقوه.<sup>۸۶</sup> در جایی دیگر می‌گوید: «ما جغرافی‌دانان جدید فهمیدیم که هر گذشته‌ای زمانی حال بوده و وسیعاً در این زمینه توافق در میان ما وجود داشت.» پژوهش داربی، به‌عنوان یک متد، در جغرافیای تاریخی مشکلات گوناگونی را کشف

کرد. وی البته از رویکردها و تکنیک‌ها، یافته اساسی‌اش یک کار پژوهشی واقع‌گرا و تجربی بود.<sup>۸۷</sup> رابین باتلین استاد کالج کوپین مری دانشگاه لندن طی مقاله‌ی «گران‌سنگ و وزین خود تحت عنوان «تئوری و متدولوژی در جغرافیای تاریخی» معتقد است به‌رغم مناقشات فراوان در حوزه‌ی تئوری، از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰ شاهد پیشرفت‌های جالبی در تئوری و متدولوژی علم جغرافیای تاریخی هستیم. از نظر او طی دهه‌های اخیر متدولوژی مبتنی بر تجربه‌گرایی<sup>۸۸</sup> و عمل‌گرایی یا اثبات‌گرایی<sup>۸۹</sup> به‌طور قابل ملاحظه‌ای در مباحث جغرافیای تاریخی مورد پذیرش قرار گرفت.<sup>۹۰</sup> باتلین<sup>۹۱</sup> معتقد است این پیشرفت‌های وسیعاً داخلی در فرضیه و روش‌شناسی در جغرافیای تاریخی، نقش گسترده‌ای از کارکرد جغرافیای کامل انسانی را ارائه داده که با ترکیب روشنی از تغییر و توسعه همراه است.

کلارک جغرافیای تاریخی را به مثابه مبحثی میان رشته‌ای درک می‌کرد که در آن، هم زمان و هم مکان حائز اهمیت‌اند. جغرافی دان تاریخی به‌واسطه تأکید بیشترش بر روابط مکانی، از مورخ‌بازشناخته می‌شود. کلارک تأکید می‌کرد که ترسیم خطی روشن میان این دو نظام (تاریخ و جغرافیا) کاری بیهوده است. جورج کالینگوود فیلسوف و تاریخ‌نگار انگلیسی معتقد بود که اگر واژه «علم» را به معنای هر پیکره سازمان‌یافته‌ای از دانش تعریف کنیم آنگاه باید اعتراف کنیم که تاریخ نیز چیزی جز علم نیست. او می‌گفت: اگر تاریخ سراسر تاریخ اندیشه است، جغرافیای تاریخی نیز سراسر تاریخ بشری و نهادهای آن را شکل داده‌اند.<sup>۹۲</sup>

وفور نظریه و تئوری در موضوع جغرافیای تاریخی ناشی از رویکرد علمی محققان غربی به این مقوله است. در این مجال بررسی و شرح و تبیین دیدگاه‌های دنیس،<sup>۹۴</sup> مک کاسکیل،<sup>۹۵</sup> بیکر<sup>۹۶</sup> و بسیاری از این اندیشه‌وران نیست اما آنچه اهمیت دارد آن است که بسیاری از این محققان، جغرافی دان هستند یعنی از متدهای مدرن جغرافیای نوین آگاهی دارند؛ از سوی دیگر بسیاری از آنان دارای بینش نظری در حوزه جغرافیای تاریخی هستند. اما در ایران، همان‌طور که قبلاً اشاره شد فقدان مبانی نظری و دیدگاه‌های تئوریک در رویکرد به جغرافیای تاریخی و فقدان قواعد و اصول پژوهش علمی سبب ضعف و ناکارآمدی روشی این‌گونه تحقیقات شده است.<sup>۹۷</sup> این امر تنها با اتحاد و همدلی نخبگان تاریخ و جغرافیا و به‌کارگیری روش‌های نوین در حوزه دانش جغرافیا و تاریخ میسر خواهد بود. امروزه کاربرد سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)<sup>۹۸</sup> به‌عنوان یکی از نرم‌افزارهای جغرافیایی درجه‌های نو و جدید را بر روی مورخان و جغرافی دانان باز کرده است. بر همین اساس دانشگاه کمبریج نشریه‌ای در این حوزه منتشر کرده است.<sup>۹۹</sup> تکنولوژی و فناوری (GIS) که همان

سیستم اطلاعات جغرافیایی کامپیوتری است و با برخورداری و همچنین بررسی تغییرات محیطی براساس تفسیر ناهموازی‌ها و عکس‌های کارتوگرافی در طول قرون گذشته و تطبیق آن با تحولات منطقه و تطبیق نقشه‌های جدید با نقشه‌های قدیمی و باستانی، تحولات جمعیتی و نژادی، مهاجرت و غیره کمک‌های شایان و درخور توجهی را به مورخان و جغرافی دانان تاریخی ارائه دهند.<sup>۱۰۰</sup> فناوری دیگر (GPS) است<sup>۱۰۱</sup> و آن سیستمی است که دامنه کاربرد و کارایی آن از محدوده علوم مهندسی، نقشه‌برداری، ژئودزی و فتوگرامتری فراتر رفته و دیگر شاخه‌ها را همانند جغرافیا، محیط‌زیست، تکنولیک، ژئوفیزیک، حمل‌ونقل و ناوبری، ترافیک و غیره دربر گرفته است. استفاده از روش‌های سنتی نقشه‌برداری، همانند نجوم ژئودزی نیاز به محاسبات پیچیده و زمان طولانی دارد اما فن‌آوری (GPS) به‌راحتی می‌تواند حتی در حین حرکت و به همان دقت حالت سکون، موقعیت جغرافیایی فرد، یا ماشین (هواپیما، کشتی، خودرو) و یا هر وسیله دیگر را به‌راحتی معین نماید.<sup>۱۰۲</sup> این سیستم مجموعه‌ای از ماهواره‌های موقعیت‌یاب جغرافیایی است که موقعیت پدیده‌های مختلف را روی زمین شناسایی و به کاربران مخابره می‌کند. امروزه این فناوری‌های جدید در خدمت جغرافیای تاریخی قرار گرفته و توانسته کمک‌های بسیار ارزنده و ارزشمندی را جهت بازسازی جغرافیایی گذشته ارائه دهد.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Geography Position System.
2. Geography information System
۳. رضوی خراسانی، سیدحسین، تاریخ‌شناسی تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، ۱۳۸۶، ص ۳۳.
۴. ودیعی، کاظم، «رابطه جغرافیا با تاریخ» مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۱، سال چهارم، ص ۱۹۱.
5. Carl Ritter.
۶. پلانپول، ژاویه، مبانی جغرافیای تاریخ اسلام، ترجمه عبدالله ناصری، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱، لومبارد، مورس، جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ترجمه عبدالله ناصری، سمیه سادات طباطبایی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱.
۷. گنجی، محمدحسن، اشراقی، احسان، مجتهدزاده، پیروز، رابطه تاریخ با جغرافیا، گفت‌وگو، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۳۴، تیرماه ۱۳۸۸، ص ۱۷.
8. Regional Geography.
9. General.
10. Regional.
۱۱. ودیعی، همان ص ۱۹۲.
۱۲. گنجی، محمدحسن و... همان ص ۱۷.
۱۳. البته جغرافیای قرن نوزدهم میلادی نیز به تعبیر برخی از جغرافی دانان به جز نوشته‌های پراکنده آسیب‌پذیر، چیز درخور توجهی نبود. در آخرین دهه قرن ۱۹ بود که با ظهور فریدریش راتزل جغرافی دانان آلمانی و بنیانگذار جغرافیای انسانی، ویدال دولابلاش در فرانسه، جغرافیای انسانی شکوفا شد و نضج گرفت و به‌عنوان یک نظام علمی مطرح شد. این زمان را می‌توان مبدأ زایش جغرافیای مدرن به‌ویژه جغرافیای انسانی در نظر گرفت. ن-ک. فرید، یدالله، پیشگامان جغرافیای انسانی،

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ص ۱۱۹.

14. Geography and History: Bridging the Divide, Alen . R. H. bak-  
er, Cambridge university Press, 2003, paperback: 296 Pages.

15. Great Divide.

۱۶. جمالی، فیروز، «جایگاه فلسفه و جهان بینی در جغرافیا»، تهران، دانشگاه تهران،  
نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بی تا، ص ۴۳.

17. Tailor.

18. Geocratic.

19. Theocratic.

۲۰. کارل ریتر از جمله جغرافی دانان کلاسیک آلمانی است که در نگرش های  
جغرافیایی خود عقاید مذهبی را دخالت می داد. از فیلسوف معروف آلمان ایمانوئل  
کانت تأثیر پذیرفته بود و در تبیین پدیده های سطح زمین از فلسفه غایت انگاری  
پیروی می کرد. ن. ک. فنی، زهره، مقدمه ای بر تاریخ علم جغرافیا، تهران، امیرکبیر،  
۱۳۸۱، چ اول، ص ۱۴۱.

21. Weocratic.

22. Paul de la Blache.

۲۳. شکوئی، حسین، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، مؤسسه جغرافیایی و  
کار توگرافی گیتاشناسی، جلد اول، ۱۳۸۹، چاپ دوازدهم، ص ۱۷.

24. David pepper (1984). The Roots of Modern Environmentalism,  
croom Helm. P. 118.

25. Fridrich Rotzel.

26. Determinism.

۲۷. ن. ک. بیرشک، احمد و دیگران، خلاصه زندگی نامه علمی دانشمندان، بنیاد  
دانشنامه بزرگ فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چاپ اول، ص  
۴۵۹.

۲۸. شکوئی، همان، ۲۳۶.

۲۹. همان، ص ۲۴۰.

۳۰. فرید، همان، ص ۱۳۵.

۳۱. شکوئی، همان، ص ۳۴۰.

۳۲. ن. ک. فرید، همان، ص ۱۳۵، جنسن، اریلد هولت، جغرافیا، تاریخ و مفاهیم،  
ترجمه جلال تبریزی، سیر و سیاحت، تهران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۲.

۳۳. خلیلی فر، حسین، جغرافیا از قدیم تا امروز، تهران، مؤسسه مطبوعاتی احمد  
علمی، ۱۳۴۰، ص ۱۳۰.

۳۴. شیلینگ، ژاک، تأملی در مسائل بنیادی جغرافیای معاصر، جغرافیا چیست؟،  
اقتباس، دکتر سیروس سهامی، تهران، انتشارات محقق، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۳۵.

35. Eyve Lacoste.

۳۶. فرید، همان، ص ۱۳۵.

۳۷. شکوئی، همان، ص ۱۷.

۳۸. جنسن، همان، ص ۵۲.

39. Elen charchill Semple.

۴۰. شکوئی، همان، ص ۲۵۳.

۴۱. شکوئی، حسین، فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۸۸، چاپ چهاردهم،  
ص ۲۰۷-۲۰۶.

42. Historical Geography.

۴۳. نورائی، مرتضی «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی، تعاملات و تمایزات»، کتاب  
ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۳، آذرماه ۱۳۹۰، ص ۳.

44. Philipp Cluver.

۴۵. احمدوند، عباس، «تأملی در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران»،  
فصلنامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۱.

46. Hart Shorn.

47. Saver.

48. darbi.

49. Clark.

50. John- k- Wrihyht.

51. Bilinghe.

52. Harris.

53. Collingwood.

54. Hefferman.

55. matheson.

56. Derwen whittel sey.

۵۷. خیراندیش، عبدالرسول، «جغرافیای تاریخی ارزیابی گذشته، تصویر آینده»  
کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اردیبهشت سال ۱۳۷۹، شماره ۳۱، ص ۲.

۵۸. پایلی یزدی، محمدحسین، «تعریف مفهوم و دیدگاه تازه از جغرافیا»، فصلنامه  
تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹، سال اول، ۱۳۶۵، ص ۴۶.

۵۹. قائم مقامی، جهانگیر، «بحثی درباره مفهوم جغرافیای تاریخی»، مجله بررسی های  
تاریخی، شماره ۳، سال هفتم، ص ۴، و ن. ک. قدیانی، عباس، جغرافیای تاریخی  
ری، «راگا» تهران، انتشارات آرون، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۳.

۶۰. نهچیری، عبدالحسین، جغرافیای تاریخی شهرها برای دانش آموزان دبیرستان و  
معلمین، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶، ص ۹.

۶۱. قراچانلو، حسین، همان، ص ۹.

62. Topolomy

۶۳. احمدوند، همان، ص ۴۵.

۶۴. اقتداری، احمد، خوزستان، کهگیلویه و ممسنی، جغرافیای تاریخی و آثار  
باستانی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹، ص ۲، ن. ک. رضوان، همایون،  
«نگاه اجمالی به پیشینه و آثار باستانی شهرستان ورامین» مجله «دانشکده ادبیات و  
علوم انسانی دانشگاه تهران، ش، ۱۷۷، بهار ۱۳۷۵»، ص ۱۷۵-۱۷۴.

۶۵. قراچانلو، حسین، ص ۱۰.

۶۶. بیک محمدی، حسن، مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران، اصفهان، دانشگاه  
اصفهان، ۱۳۷۷، ص ۱۵، احمدوند، همان، ۴۵.

۶۷. قائم مقامی، همان، ص ۲۰.

۶۸. خیراندیش، همان، ص ۳.

۶۹. تذکره جغرافیای تاریخی ایران، اثر بار تولد، و جغرافیای تاریخی سرزمین های  
خلاف شرقی، اثر گ. لسترنج، از جهاتی قابل مقایسه با آثار معاصران ایرانی خود  
نیست. به ویژه لسترنج برجستگی ویژه ای دارد. در مجموعه طراحی لسترنج  
کانون های فرهنگی پراکندگی و توزیع آن ها بیش از هر چیز خودنمایی می کند مانند  
اوضاع طبیعی، رودخانه ها، شهرها، دریاچه ها، ناهمواری ها و دگرگونی های طبیعی،  
چگونگی احداث و گسترش شهرها، افسانه ها و اسطوره ها، وجه تسمیه مختصر  
سیاسی- نظامی شهرها و مناطق، فعالیت های اقتصادی، کشت و زرع، نظام آبیاری و  
غیره. ن. ک. نورائی، مرتضی، «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی تعاملات و تمایزات»،  
کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۳، آذرماه ۱۳۹۰، ص ۳.

۷۰. خیراندیش، همان، ص ۳.

۷۱. همان، ص ۳.

۷۲. رضوی خراسانی، همان، ص ۳.

۷۳. گلکه، لئونار، «مبانی نظری جغرافیای تاریخی، درک تاریخی در جغرافیا یک  
رویکرد آرمان گرا. ترجمه محمدجعفر جباری، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۷۹،  
شماره ۳۰، ص ۱۴.

۷۴. همان، ص ۱۴.

۷۵. احمدوند، عباس، همان، ص ۴۳.

76. Landscape.

77. Wright john.k.

۷۸. همان.

79. Oakeshott.

گفت‌وگو، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۳۴، تیرماه ۱۳۸۸.

۶. فرید، یدالله، «پیشگامان جغرافیای انسانی» نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران، بی‌تا.

۷. نورائی، مرتضی «جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی، تعاملات و تمایزات»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۳، آذرماه ۱۳۹۰.

۸. احمدوند، عباس، «تأملی در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.

۹. خیراندیش، عبدالرسول، «جغرافیای تاریخی ارزیابی گذشته، تصویر آینده» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اردیبهشت سال ۱۳۷۹.

۱۰. پاپلی بزدی، محمدحسین، «تعریف مفهوم و دیدگاه تازه از جغرافیا» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹، سال اول، ۱۳۶۵.

۱۱. قائم‌مقامی، جهانگیر، «مباحثی درباره مفهوم جغرافیای تاریخی» مجله بررسی‌های تاریخی، تهران، شماره ۳، سال هفتم.

۱۲. بیرشک، احمد و دیگران، خلاصه زندگینامه علمی دانشمندان، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چاپ اول.

۱۳. جمالی، فیروز، «جایگاه فلسفه و جهان‌بینی در جغرافیا»، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بی‌تا.

۱۴. شکوئی، حسین، اندیشه نو در فلسفه جغرافیا، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کار توگرافی گیتاشناسی، ج اول، ۱۳۸۹، چاپ دوازدهم.

۱۵. جنسن، اریلد هولت، جغرافیا، تاریخ و مفاهیم، ترجمه جلال تبریزی، تهران، سیر و سیاحت، ۱۳۷۶، چاپ اول.

۱۶. شکوئی، حسین، فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۸۸، چاپ چهاردهم.

۱۷. فتی، زهره، مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، چاپ اول.

۱۸. خلیلی فر، حسینی، جغرافیا از قدیم تا امروز، تهران، مؤسسه مطبوعاتی احمد علمی، ۱۳۴۰.

۱۹. شیلینگ، ژاک، تأملی در مسائل بنیادی جغرافیای معاصر، جغرافیا چیست؟ اقتباس دکتر سیروس سهامی، تهران، انتشارات محقق، ۱۳۷۷، چاپ اول.

۲۰. قدیانی، عباس، جغرافیای تاریخی ری، «راگا» تهران، انتشارات آرون، ۱۳۷۹، چاپ اول.

۲۱. نهجیری، عبدالحسین، جغرافیای تاریخی شهرها برای دانش‌آموزان دبیرستان و معلمین، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶.

۲۲. اقتداری، احمد، خوزستان، کهگیلویه و ممسنی، جغرافیای تاریخی و آثار باستانی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۹.

۲۳. رضوان، همایون، «نگاه اجمالی به پیشینه و آثار باستانی شهرستان ورامین» مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۱۷۷، بهار ۱۳۷۵.

۲۴. بیک محمدی، حسن، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۷.

۲۵. گلکله، لئونار، «مبانی نظری جغرافیای تاریخ، درک تاریخی در جغرافیا یک رویکرد آرمان‌گرا»، ترجمه محمدجعفر جباری، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۰ و ۳۱، ۱۳۷۹.

۲۶. حسینی، میرهادی، «معرفی کتاب‌های جدید جغرافیایی»، مجله رشد آموزش جغرافیا، تهران، بی‌تا.

27. Baker, Alen. R. H., Gography and History, Bridging the Divid, Cambridge university, Press, 2003.

28. Pacior, Michael, Historical Jeography, Proyress and Prospect, university of strathclyde, Routldy.

29. Butlin, Robin, theory and Methodology in Historical Geogra-phy. Routledy.

30. David pepper (1984), The Roots of Modern Environmentalism, Croom Helm. P. 118.

۸۰. همان.

۸۱. همان، ص ۱۵.

82. The nature of Geography.

83. Perspective on the nature of geography.

84. Historic Present.

۸۵. همان، ص ۱۵.

۸۶. همان، ص ۱۶.

87. Butlin, Robin. Theory and Methodology in Historical Geog-raphy. P.4.

88. Empiricism.

89. Positivism.

90. Bultin. P. 5.

۹۱. مقاله باتلین در کتابی با عنوان «جغرافیای تاریخی، توسعه و چشم‌انداز» در انگلستان چاپ شده است. گردآورنده کتاب میشل پاسیون است. عنوان اصلی کتاب به شرح زیر است:

Historical geography: Progress and Prospect.

این کتاب در ده فصل تنظیم شده و عنوان بخش اول از فصل دهم «تئوری و متدولوژی در جغرافیای تاریخی» است. ن. گ. حسینی، میرهادی، «چشم‌انداز جغرافیای تاریخی» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۳، آذر ماه ۱۳۹۰، ۵۶.

۹۲. گلکله، لئونار، بخش اول، ص ۸.

۹۳. همان، ص ۹.

94. Dennis.

95. Mc Caskill

96. Baker.

۹۷. خیراندیش، همان، ص ۳.

98. Geography information System.

99. Historical Gis- Technologies. Methodologies and Scholarship. Cambridge Studies in Historical Geography (No. 39).

۱۰۰. برای طراحی یک سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) نرم‌افزارهای مختلفی تهیه شده است که پس از نصب بر روی رایانه، کار ذخیره‌سازی، بازیافت، پردازش و تحلیل و نمایش اطلاعات را ممکن می‌سازند. مشهورترین آن‌هاست:

۱. آرک ویو (Arc/ View)

۲. آرک اینفو (Arc/ Info)

۳. ادریسی (Idrisi)

۴. کاریس (Caris)

۵. آرک، جی. آی. اس (Arc/ GIS)

۶. ایلویس (Ilwis)

۷. سورفر (Surfer)

101. Geography Position System.

**منبع**

۱. پلاتنول، زاویه، مبانی جغرافیای تاریخ اسلام، ترجمه عبدالله ناصری، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۰، چاپ ۱.

۲. رضوی خراسانی، سیدحسین، تاریخ‌شناسی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، ۱۳۸۶.

۳. لومبارد، موریس، جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین، ترجمه عبدالله ناصری، سمیه سادات طباطبایی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۰، چاپ ۱.

۴. ودیعی، کاظم، رابطه جغرافیا با تاریخ. مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۱، سال چهارم.

۵. گنجی، محمدحسن، اشراقی، احسان، مجتهدزاده، پیروز، «رابطه تاریخ با جغرافیا»